

# موج ترقیخواهی در فرانسه و اروپا

رئیس جمهور در جمهوری پنجم فرانسه (بیست و دومین رئیس جمهور در تاریخ این کشور پس از انقلاب معروف آن) به خواننده امکان می دهد که پاسخها را به راحتی دریابد.

اینک کمی به عقب برگردیم:

در فدرای انتخابات مجلس نمایندگان (مارس ۱۹۹۳) که ناگهان تعداد نمایندگان حزب سوسیالیست در مجلس از حدود ۲۷۰ به ۶۰ نفر کاهش یافت و موجب شد این حزب اکثریت نسبی را از دست بدهد شارل پاسکوازه از رهبران با نفوذ جناح راست گفت:

حزب سوسیالیست شبیه جبهه شکست خورده یک نبرد است که همه چیز در آن ویران شده و زناها پا به فرار گذاشته اند. حزب سوسیالیست ۱۱ قرن نیست و یکم قادر نیست سر بلند کند.

«ژاک شیراک» در نوامبر گذشته، به هنگام اعلام نامزدی خود در انتخابات، در پاسخ سئوالی گفت: بطور قطع موضوع روز بحث بین دو برنامه جناح راست است و بحث سستی بین دو جناح راست و چپ بایگانی شده است.

ساعت ۸ بعد از ظهر ۲۳ آوریل ۱۹۹۵ که ناگهان تمامی رسانه های خبری اعلام کردند «ژوسپ» با نزدیک به ۲۴ درصد آرا در رأس سایر نامزدها قرار گرفت همه انگشت تخریب به دندان گزیدند. شگفت انگیز و حیرت آور است! چگونه طی دو سال چپ موفق شد شکست را به پیروزی تبدیل کند؟ اما معجزه دموکراسی در اینست که کلام آخر با ملت و رأی دهندگان است.



دکتر منصور تاراجی

در حقیقت آراه چهل میلیون نفر از ۵۸ میلیون جمعیت این کشور در ۲۳ آوریل ۱۹۹۵ آراه معتزین بود به راست و چپ سستی. اعتراض به سیاستمداران، گردانندگان و حاکمان ربع قرن اخیر؛ اعتراض به پرونده های سوء استفاده های مالی مربوط به هر دو جناح؛ اعتراض به بحرانهای اجتماعی، کاهش قدرت

با انتخاب ژاک شیراک در سال ۱۹۹۵ و سیاستهای اقتصادی او در فرانسه و اروپا، موج ترقیخواهی در این کشور آغاز شد. این کشور در این دوره شاهد تحولات مهمی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود. در این دوره، دولت شیراک تلاش کرد تا با اتخاذ سیاستهای اقتصادی جدید، مشکلات اقتصادی کشور را حل کند و به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک کند. در این دوره، دولت شیراک همچنین تلاش کرد تا با اتخاذ سیاستهای اجتماعی جدید، مشکلات اجتماعی کشور را حل کند و به رفاه و عدالت اجتماعی در کشور کمک کند. در این دوره، دولت شیراک همچنین تلاش کرد تا با اتخاذ سیاستهای فرهنگی جدید، مشکلات فرهنگی کشور را حل کند و به توسعه و گسترش فرهنگ کشور کمک کند. در این دوره، دولت شیراک همچنین تلاش کرد تا با اتخاذ سیاستهای دیپلماتیک جدید، مشکلات دیپلماتیک کشور را حل کند و به تقویت جایگاه کشور در سطح بین المللی کمک کند.

## نوشته دکتر منصور تاراجی

آوردند؟ چرا حزب سوسیالیست فرانسه هر روز گام تازه ای در راه سوسیال - دموکراسی برمی دارد؟ کمونیستهای فرانسه که تاریخی ۷۵ ساله دارند (از ۱۹۲۰ که حزب کمونیست فرانسه به انترناسیونال سوم پیوست و شاخه ای از آن، حزب سوسیالیست را تشکیل داد) چگونه توانستند در انتخابات اخیر منحنی سقوط را معیذبند به منحنی صعود کنند؟ آیا فرانسه با یک انفجار نیروهای اجتماعی چون ماه مه سال ۱۹۶۸ روبرو خواهد شد؟ در آستانه هزاره سوم میلادی آینده وحدت اروپا را چگونه باید ارزیابی کرد؟ جناح راست فرانسه که امروزه همه هرم قدرت، از قاعده تا رأس را قبضه کرده (اکثریت مطلق در مجلس سنا و نمایندگان، شهرداریها، انجمن های ایالتی و ولایتی) در دو انتخابات سرنوشت ساز شهرداریها (ژوئن ۹۵) و مجلس (مارس ۹۷) چه خواهد کرد؟

پاسخگویی به پرسشهای بالا نیاز به ارائه تحلیلی عمیق از مسائل اجتماعی فرانسه دارد و این تحلیل از آن جهت حائز اهمیت است که هرگونه تحول اجتماعی در این کشور که چهارمین قدرت صنعتی جهان و نخستین کشور اروپایی صادرکننده مواد کشاورزی است در جوامع اروپایی شدیداً مؤثر است و بازتابی جهانی دارد. دادن تصویری از جامعه فرانسه در انتخابات پنجمین

پرسشهای روز اینست: پیامدهای گزینش ژاک شیراک، مردی که در پایان جنگ جهانی دوم سیزده ساله بود، بجای فرانسوا میتران به ریاست جمهوری فرانسه در سیاست داخلی و خارجی فرانسه چه خواهد بود؟ چه عواملی موجب شد شهردار پاریس در سومین یکبار برای کسب کرسی ریاست جمهوری فرانسه پیروز شود؟ حزب سوسیالیست فرانسه که در انتخابات مجلس اروپائی (مارس ۱۹۹۴) با ۱۴/۵ درصد آرا با شکست فاسجه انگیزی روبرو شد چگونه توانست جبهه نیرومندی در مقابله با جناح راست بوجود آورد؟ ارضیه سیاسی و اجتماعی چهارده سال اقامت فرانسوا میتران در کاخ الیزه و در رأس هرم قدرت چیست؟ نتایج موج شتابان و عظیم نیروهای ترقیخواه در اکثر کشورهای اروپائی در برابر نیروهای سستی راست چه خواهد بود؟ آیا ژاک شیراک که دو بار نخست وزیر فرانسه بود (سالهای ۱۹۷۶-۱۹۷۷ و ۱۹۸۸-۱۹۸۹) موفق به اجرای برنامه های بلند پروازانه خود در به حرکت انداختن چرخهای اقتصادی فرانسه خواهد شد؟

چرا در دور اول انتخابات ریاست جمهوری، نیروهای افراطی راست و چپ بیش از هر زمان رأی

خرید، عمیق‌تر شدن دره فقر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی. و در یک کلام این آرا نشان‌دهنده بحران اعتماد نسبت به حکمرانان طی سالهای اخیر بود. زیرا افراطیون راست و چپ که مخالف پیمان «ماستریخ» (وحدت اروپا در زمینه پول، دفاع و سیاستهای خارجی واحد) هستند بیش از هر زمان رأی آوردند. راست افراطی حدود بیست درصد آرا را به دست آورد و نصاب آرای طرفداران انقلاب کسارگری از ۲/۵ درصد به ۵/۵ درصد و کمونیست‌ها از ۶/۵ درصد به حدود ۹ درصد رسید.

به موجب آمار رسمی، طی بیست سال اخیر ثروت فرانسویان شصت درصد افزایش یافته، اقتصاد مدرن شده و سیستم تولید بهبود یافته است. فرانک موقعیت خود را حفظ کرده و تورم مهار شده است. لکن فقیر فقیرتر و ثروتمند، ثروتمند تر شده و ده درصد جمعیت بیش از چهل درصد ثروت ملی را در دست دارند. در برابر، تعداد بیکاران به حدود ۴ میلیون، بی‌خانمانها ۵۰۰ هزار نفر و کسانی که برای گذران زندگی مجبور به دریافت حداقل معیشت از دولت هستند به یک میلیون نفر رسیده است. فرانسویان هرگز مانند امروز این تعداد فقیر در خیابانها ندیده بودند. با این وجود چرا سوسیالیست‌ها که طی چهارده سال بر فرانسه حکومت می‌کردند و همه پیش‌بینی‌ها سقوط آنها را تا قرن بیست و یکم حتمی می‌دانست موفق شدند در دور اول انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در رأس سایر احزاب قرار گیرند؟

### در فردای یک شکست تاریخی

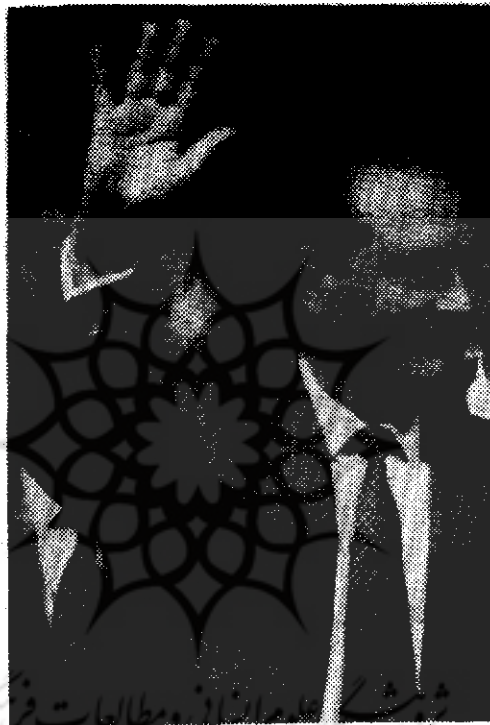
طی دو قرن که از انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) می‌گذرد تحولات این کشور همه وقت بر کل جوامع اروپایی و جهان اثر گذاشته و بازتابی بی‌چون و چرا داشته و دارد. به ویژه در دوران کنونی که فرانسه و آلمان لکومونیو وحدت اروپا و ستون اصلی پول واحد و تحکیم اقتصاد اروپا جهت مقابله با آمریکا، ژاپن و کشورهای نوپای صنعتی در شرق و جنوب شرقی آسیا محسوب می‌شوند.

در فردای شکست تاریخی سوسیالیست‌ها در مارس ۱۹۹۳ «میشل روکار» از متفکران این حزب و نخست‌وزیر سوسیالیست (سالهای ۱۹۹۱-۱۹۸۸) در یک گردهمایی فوق‌العاده، نیروهای باقی‌مانده حزب را به وحدت فرا خواند و با فشاری کرد که به جناح‌بندیهای حزبی پایان داده شود. «لوران فابوس» دبیر کل حزب سوسیالیست و نخست‌وزیر سابق کنار رفت، و میشل روکار موقتاً، و تا تشکیل کنگره حزب به سمت دبیر کلی آن برگزیده شد.

خودکشی «پیر برگوار» (اول ماه مه ۱۹۹۳) آخرین

نخست‌وزیر سوسیالیست، تحریک عمده‌ای به نیروهای چپ داد و کنگره حزبی در اواسط سال ۱۹۹۳ تشکیل شد. اشتباهات گذشته مورد بررسی قرار گرفت و رهبران جناحها هم پیمان شدند که در راه وحدت حزب بکوشند.

«میشل روکار» به دبیر کلی حزب برگزیده شد، اما تلاشهای او برای بازگرداندن اعتبار حزب در جامعه فرانسه پربار نبود، زیرا در انتخابات اروپایی ژوئن ۱۹۹۴ حزب سوسیالیست موفق شد فقط ۱۴/۵ درصد آرا را کسب کند.



ژاک شیراک پس از پیروزی

آتش بحران که موقتاً زیر خاکستر یأس از شکست نهفته شده بود شعله‌ور شد؛ «میشل روکار» از سمت دبیر کلی حزب استعفا کرد. امور حزب موقتاً به «هانری اماتوللی» رئیس اسبق مجلس ملی فرانسه که تمایلات چپ‌گرایانه‌تری دارد سپرده شد. در کنگره نوامبر ۱۹۹۴ حزب سوسیالیست رسماً سمت دبیر کلی را به «هانری اماتوللی» سپرد. سرنوشته حزب سوسیالیست که «فرانسوا میتران» را در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۸۱ و ۱۹۸۸ به کاخ الیزه فرستاد میهم و به مونی بند بود. جناح راست و لیبرال به پیروزی خود غرور شدند و امید قطعی یافتند که در پنجمین انتخابات ریاست جمهوری دوره جمهوری پنجم فرانسه، برد با آنها خواهد بود.

شش مؤسسه مهم آماری فرانسه «ادوارد بالادور» را که با حمایت ژاک شیراک در مارس ۱۹۹۳ نخست‌وزیر شد و در سالهای ۱۹۸۸-۱۹۸۶ وزیر دارایی او بود

ریاست جمهوری آینده معرفی می‌کردند. ژاک شیراک نیز که در این هنگام شهردار پاریس بود رسماً نامزدی خود را برای این سمت اعلام کرد و برنامه‌اش را طی دو کتاب به آگاهی ملت فرانسه رساند. شهردار مقتدر پاریس که دوبار نخست‌وزیر فرانسه بوده (در دوران ریاست جمهوری ژیمسکار دستن ۱۹۷۶-۱۹۷۴) و فرانسوا میتران (۱۹۸۸-۱۹۸۶) فقط بیست درصد آرا را داشت. اما زمان همه چیز را تغییر داد. سوسیالیست‌ها دست به دامن ژاک دولور (وزیر دارایی دولت پیرمورا و «فابیوس» در سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱) شدند که ده سال رئیس کمیسیون اروپایی بود و به همت او قرارداد «ماستریخ» و وحدت اروپا تحقق یافت.

همه مؤسسات آماری اعلام کردند که او با محبوبیتی که دارد قادر است با ۶۵ درصد آرا «ژاک شیراک» و «ادوارد بالادور» را شکست دهد. لکن «ژاک دولور» در ژانویه ۱۹۹۵ و در بحبوحه مبارزات انتخاباتی فرانسه، به دلایل شخصی، و اینکه اکثریتی که برنامه او را اجرا کند پیدا نخواهد کرد رسماً گفت که هرگز نامزد ریاست جمهوری نخواهد بود.

این خبر قسریه سهمگینی برای حزب سوسیالیست بود و یکصد هزار عضو فعال این حزب را اندوه زده کرد.

«ژاک شیراک» و «ادوارد بالادور» (دو رفیق سی‌ساله، و هر دو وابسته به جناح راست) به شدت به محکوم کردن برنامه‌های یکدیگر پرداختند.

اعضای حزب اجتماع برای جمهوری (که با رهبری ژاک شیراک در سال ۱۹۷۶ بوجود آمد) به دو دسته تقسیم شدند، در حالیکه هر دو نامزد ریاست جمهوری از جناح راست عضو این حزب بودند. بدین جهت در شرایطی که سوسیالیست‌ها برای یافتن یک نامزد ریاست جمهوری سخت تلاش می‌کردند، اختلاف بین جناح راست هر روز عمیق‌تر می‌شد.

نمایندگان مجلس وزرا و فعالین حزبی به دو اردوی «شیراک» و «بالادور» تقسیم شدند. «فیلیپ سکن» رئیس مجلس و «آلن ژویه» وزیر امور خارجه به شیراک و «شارل پاسکوا» وزیر کشور و «فرانسوا لئوپارده» وزیر دفاع به «ادوارد بالادور» پیوستند.

اشتباهات پی‌در پی نخست‌وزیر فرانسه «ادوارد بالادور» در مورد مسایل آموزشی، دانشگاهی و اجتماعی نارضایتی عمومی را دامن زد. دهها هزار کارمند و کارگر مؤسسات دولتی و خصوصی دست به تظاهرات و اعتصابهای روزانه زدند. اما او همه توجه خود را به کاهش سیصد میلیارد فرانک کسری بودجه و تحکیم فرانک معطوف کرد. سه وزیر او متهم به سوء استفاده مالی و اختلاس شدند و یکی از آنها هفت ماه را

در زندان گذراند. اعمال ناشایسته «شارل پاسکوا» در موارد متعدد، از جمله تهیه سناریویی برای برکناری یک قاضی که مأمور رسیدگی به پرونده‌های شده بود که در آن سوء استفاده‌های مالی در ساختن خانه‌هایی که به کمک دولت برای کم درآمدها تهیه می‌شود مورد رسیدگی قرار می‌گرفت، ضربه بزرگی به «ادوارد بالادوره» زد. ناگهان مؤسسات آماری اعلام کردند که «ژاک شیراک» در کسب محبوبیت بین مردم از نخست‌وزیر پیشی گرفت. «بالادوره» دست به تلاش همه جانبه‌ای زد. او و «شیراک» شبانه روز در میتینگ‌های مختلف در سراسر فرانسه شرکت می‌کردند. وقتی برنامه «بالادوره» اعلام شد، او را متهم کردند که حامی اصلاحات و رفرمهای اجتماعی به طور آرام است، به بیان دیگر، وی خواهان حفظ وضع موجود و ادامه اقدامات دولت که در مارس ۱۹۹۳ زمام امور کشور را بدست گرفت، می‌باشد.

ژوسپن» را برگزیدند. سایر رهبران حزب اختلافات را کنار گذاشتند و همه به حمایت وزیر سابق آموزش و پرورش (ژوسپن) برخاستند. در این زمان علاوه بر «شیراک» و «بالادوره» عده‌ای دیگر وارد صحنه نبرد شدند. رسانه‌های گروهی شبانه روز به پخش برنامه‌های نامزدها پرداختند. تب انتخابات همه را فراگرفت و دو نفری که بیش از سایرین مورد حمله قرار می‌گرفتند «شیراک» و «بالادوره» بودند. «لئونل ژوسپن» که قبلاً چهره‌ای آرام داشت، اقدام به ایراد نطق‌های آتشینی کرد که جناح چپ را سخت تکان داد. او در نخستین نطق خود گفت: «مادردگشته اشتباهانی مرتکب شدیم ولی چپ کارهای عظیمی نیز انجام داد. پاس را مبدل به امید کنید، مطمئن باشید که پیروزی در دور اول انتخابات با ما خواهد بود». هزاران جزوه تبلیغاتی و آگهی‌های انتخاباتی در سراسر فرانسه پخش شد. نامزد سوسیالیست‌ها اعلام کرد

## چگونه سوسیالیست‌های فرانسه شکست را به پیروزی تبدیل کردند

اما در مقابل، شیراک در برنامه خود بسیاری از اصلاحاتی را که چپ آرزو می‌کرد گنجانده و در همه نطق‌ها و کنفرانس‌های خود (۱۵۰ میتینگ و کنفرانس و ۲۵ هزار کیلومتر سفر برای تماس با مردم) اعلام می‌کرد که جامعه فرانسه در حال انفجار است و اگر اقدامات سریمی انجام نشود ما با انقلاب دیگری روبرو خواهیم شد. بسیاری از چپ‌های مایوس تمایل پیدا کردند به او رای دهند و همه بر این عقیده شدند که «شیراک» از راست به چپ گرایش یافته است. «بالادوره» برنامه او را عوام فریبانه و دور از واقعیت دانست.

### تحرک در جبهه سوسیالیست‌ها

بدین ترتیب هر دو نامزد یک حزب به سخت‌ترین حملات علیه یکدیگر اقدام کردند. سوسیالیست‌ها دریافتند بهترین زمان برای بهره‌گیری از اختلاف راست‌هاست. «لئونل ژوسپن» ناگهان به حزب سوسیالیست پیشنهاد کرد که اگر حزب موافق باشد حاضر است در نبرد انتخاباتی ریاست جمهوری فرانسه شرکت کند.

«ژاک لانک»، وزیر فرهنگ کابینه سوسیالیست‌ها درگذشته، و «هانری اماتولنی»، دبیرکل حزب نیز برای شرکت در نبرد انتخاباتی تقاضای رأی اعتماد کردند. حزب سوسیالیست شبانه روز به جمع‌آوری نیرو پرداخت و سرانجام در یک روز دهها هزار عضو حزب در ۶ هزار حوزه حزبی با رأی مخفی و با ۷۰٪ آرا «لئونل

گسپیر واقعی در جامعه فرانسه به همت چپ روی خواهد داد. بجای بورس بازی باید سرمایه‌ها در راه تولید به کار گرفته شود. دوره ریاست جمهوری باید از هفت سال به پنج سال کاهش یابد. مالیات شرکتها و سرمایه‌داران افزایش یابد. ساعت کار از ۳۹ ساعت به ۳۷ ساعت تقلیل پیدا کند. دوران بحران اقتصادی سرآمده و جهان غرب راه رشد را طی می‌کند. همه حقوق‌های کمتر از ده هزار فرانک در ماه باید افزایش یابد.

نامزد سوسیالیست‌ها اعلام کرد: «چهل سال است که ساعات کار در ۳۹ ساعت برای یک هفته ثابت مانده و بدون کاهش ساعت کار با حفظ حقوق نمی‌توان به بیماری مزمن بیکاری پایان داد، اما با اجرای برنامه من سالی ۲۰۰ هزار نفر از تعداد بیکاران کم خواهند شد. «لئونل ژوسپن» در سخت‌ترین حملات به شیراک او را متهم کرد که مرتب چهره عوض می‌کند و اینک برای جلب نیروهای چپ دست به عوام‌فریبی زده است. شیراک نیز او را متهم کرد که چهارده سال ریاست جمهوری میتران سوسیالیست فرانسه را به لبه پرتگاه سوق داده است. شعار اصلی او پایان دادن به «عصر سوسیالیسم» شد و خطاب به ملت فرانسه گفت: «نگذارید برای هفت سال دیگر سوسیالیست‌ها در کاخ الیزه مسخر شوند. با نزدیک شدن به ۲۳ آوریل (تاریخ برگزاری انتخابات) شش مؤسسه بزرگ آماری اعلام کردند که «شیراک» با ۲۷٪ آراء، «ژوسپن» با ۲۲٪ و «بالادوره» با ۱۹٪ آراء در رأس سایر نامزدها قرار گرفته‌اند. این

آمار با کمی بالا و پایین رفتن تا آستانه انتخابات دور اول پا برجا بود. سوسیالیست‌ها دست به تلاش همه جانبه‌ای زدند که نامزد آنها بتواند لااقل در دور اول بیشتر از «بالادوره» رأی بیاورد و در دور دوم در برابر شیراک قرار بگیرد. اختلاف راست‌ها با یکدیگر و تلاش سوسیالیست‌ها برای حفظ وحدت، و مبارزه بی‌امان فعالان حزبی سرانجام نتیجه‌ای را که خارج از انتظار بود داد. ساعت ۸ شب ۲۳ آوریل ۱۹۹۵ رسماً اعلام شد که «ژوسپن» در رأس همه نامزدها قرار گرفته و مرد اول شده است. سوسیالیست‌ها به پایکوبی و شادی پرداختند. چهره‌های اندوهناک و غم‌آلود مبدل به چهره‌های پر از امید شد.

یکی از رهبران حزب سوسیالیست در یک میتینگ دهها هزار نفری گفت: «ژوسپن» از تو متشکریم که به ما آموختی چگونه در اوج ناامیدی می‌توان پیروزی را به چنگ آورد. جراید اروپا و جهان با حیرت و شگفتی فراوان پیروزی «ژوسپن» را تیترو اول کردند و صدها تفسیر در این زمینه منتشر شد.

از این زمان به بعد دو نفر در زور آزمایی نهانی رو در روی هم قرار گرفتند: ژوسپن و شیراک. در مناظره سنتی انتخابات ریاست جمهوری فرانسه، شیراک و ژوسپن مدت دو ساعت و نیم به بحث و مناظره درباره برنامه‌های خود پرداختند. این برنامه تلویزیونی که چندین روز درباره آن تبلیغ و صحنه‌آرایی می‌شد ساعت ۹ شب دوم مه ۱۹۹۵ شروع شد و تا ساعت ۱۱/۵ شب ادامه یافت. فردای آن شب تیترو اول جراید این بود: مناظره آرام و بدون مشاجره روی داد و هیچکدام بر دیگری برتری نداشت، نمره هر دو برابر است. همین برابری، امتیازی بود برای «ژوسپن»؛ زیرا که مرتب از طرف «شیراک» متهم می‌شد که بی‌تجربه و جوان است و شایسته پوشیدن لباس ریاست جمهوری نیست. «لئونل ژوسپن» طی میتینگ‌های بیست، سی و چهل هزار نفری در شهرهای متعدد فرانسه به عنوان ستاره درخشان نیروهای مترقی و پیشرو شناخته شد. خطیبی زبردست چون داتون (یکی از رهبران جوان انقلاب کبیر فرانسه که با توطئه «روسیسیر» بعداً سرش زیر گیوتین رفت) و سیاستمدار پخته و خردمندی چون کلمانسو (۱۹۲۹-۱۸۴۱) در آسمان دولتمردان فرانسه پدیدار گشت.

### شعارهای طلائی ژوسپن

جناح راست به رهبری ژاک شیراک محور اصلی شعار خود را در دور دوم بر این پایه قرار داد که ژوسپن می‌خواهد هفت سال دیگر به حکومت سوسیالیست‌ها ادامه دهد و فرانسه را در راه سقوط قطعی پیش برد. کاندیدای جناح چپ با مهارت خاصی تلاش کرد که حساب خود را از عصر «میتران‌دیسیم» جدا کند. او در

می‌تینک عظیمی در سالن «برسی» - بزرگترین و مدرنترین سالن پاریس که در آن جمعیت موج می‌زد - مدت یک ساعت و نیم با حرارت یک جوان سی ساله اتهامات جناح راست را رد کرد و از برنامه‌های اجتماعی خود در پیکار با بیکاری و فقر و کوشش برای استقرار عدالت اجتماعی و آزادی، برابری و برادری دفاع کرد. در کلامی گفت: «من ادامه دهنده راه مهندس فرانس (نخست وزیر چپ فرانسه در سال ۱۹۵۲ که پس از شکست دین بین فو، نیروهای فرانسه را از ویتنام بیرون کشید و با هوشی مین صلح کرد) نیستم. من ادامه دهنده راه فرانسوا میتران، نیستم که البته هر کدام مردان عصر خود بودند. من عصر تازه‌ای و افق جدیدی در برابر نیروهای مترقی

- دادگستری کاملاً مستقل شود و لغات از اعمال هرگونه نفوذی خارج باشند  
- عدالت اجتماعی و آزادی باید سرلوحه اقدامات چپ قرار گیرد  
- سیاست فرانسه نسبت به جهان سوم بکلی تغییر کند و به سیاست استعماری که در قالبی نوشتل گرفته پایان داده شود  
- آزمایشهای اتمی برای همیشه متوقف گردد  
- سیستم انتخاباتی فرانسه تغییر کند تا حتی احزاب بسیار کوچک در مجلس برای عرضه برنامه‌های خود کرسی در اختیار داشته باشند  
- به افکار فاشیستی و بیگانه ستیزی پایان داده شود

وارد صحنه شدند. نامزد جناح چپ به حزب مایوس، ورشکسته و از هم گسیخته سوسیالیست که یک سال پیش راستها مجلس ختم آن را برپا کرده بودند روح و حرکت تازه‌ای بخشید. سوسیالیست‌ها متحد شدند، نفاق را کنار گذاشتند. ناله‌های شکست یک سال پیش در انتخابات مجلس اروپائی مبدل به فریادهای پیروزی شد. ترس و نگرانی بر جناح راست غلبه کرد. ژاک شیراک فریاد برآورد: (ملت فرانسه خطر «ژوسپن» وجود دارد). و ژوسپن در پاسخ گفت: (بله خطر «ژوسپن» وجود دارد ولی نه برای ملت فرانسه بل برای «ژاک شیراک»).

### برنامه‌های چپ‌گرایانه یک دست راستی

نامزد جناح راست که شش ماه پیش از نامزدی «ژوسپن» وارد صحنه مبارزه انتخاباتی شده بود و شمار پیشین او این بود که با بسته شدن پرونده «سوسیالیسم» این برنامه‌های گوناگون جناح راست است که به رای ملت فرانسه گذاشته می‌شود، چون لکسموتیو سیاسی پرفرترتی شبانه‌روز در میتینک‌های دهها هزار نفری شرکت کرد و موفق شد همه جناحهای مختلف راست را به حمایت از برنامه‌اش وارد صحنه کند. «ادوارد بالادوره» رقیب او، ژیسکار دستن، ریاست جمهوری سابق فرانسه، «ریمون باره» نخست وزیر اسبق فرانسه که به بیطرفی شهرت دارد، و «فیلیپ دوویلیه» رهبر راست افسراطی در دور اول انتخابات به دفاع از ژاک شیراک برخاستند. تنها «ژان ماری لوپن» که تمایل فاشیستی دارد و بیش از ۱۵/۵ درصد آراء را در دور اول بدست آورد اعلام کرد رأی سفید خواهد داد.

میلیونها نسخه از برنامه ژاک شیراک برای درمان بیمارهای اجتماعی به طور وسیعی در اختیار میلیونها فرانسوی قرار گرفت. بسیاری از نکات برنامه ژاک شیراک مایه‌ای از چپ داشت و توجه طبقات گوناگون اجتماعی را بخود جلب کرد:

- افزایش حقوقها
- خانه‌سازی به طور وسیع با اعطای وامهایی با بهره بسیار کم به طبقات کم‌درآمد
- معافیت همه مؤسسات خصوصی از پرداخت سهم کارفرما به دولت چنانچه فرد بیکاری را بکار گیرند
- پاداش ۲۰۰۰ فرانک در ماه به مؤسساتی که بیکار دراز مدتی را استخدام کنند
- کاهش مالیات همه شرکتها، اصناف و پیشه‌وران
- عدالت اجتماعی
- آزادی و استقلال کامل لوه فضائی
- تشویق سرمایه‌ها در راه تولید به جای بورس بازی
- ادامه واگذاری بعضی مؤسسات دولتی به بخش خصوصی
- تغییر اساسی در سیستم آموزشی فرانسه



کساریکاتور معناداری که پس از انتخاب شیراک در مطبوعات فرانسه چاپ شد... درباره کاریکاتور نوشته شده: راستی من برای اجرای کدام یکی از این برنامه‌ها انتخاب شده‌ام!؟

- مبارزه شدیدی با بورس بازی انجام شود  
- عرضه چنین برنامه‌ای و بازتاب وسیع آن در جامعه به «ژوسپن» امکان داد که مشروعیت نامزد واقعی تمامی نیروهای ترقیخواه را پیدا کند.

«ریبر» رهبر حزب کمونیست فرانسه و نامزد این حزب در دور اول انتخابات اعلام کرد به «ژوسپن» رأی می‌دهد. صدها هزار میانه‌رو از ژوسپن استقبال کردند. «ژاک دولور» رئیس سابق کمیسیون اروپائی و دخترش «مارتین روبری»، «استروس کان» وزیر سابق و بسیاری از چهره‌های جدید حزب سوسیالیست، همچنین «میشل روکار»، «لوران فابیوس» و دیگران طی مصاحبه‌های متعدد و کنفرانسها و میتینک‌ها در سراسر فرانسه به حمایت از «ژوسپن» برخاستند. میلیونها نفر از مردم کم درآمد، حقوق بگیران، کارگران و مخالفان فروش مؤسسات دولتی به بخش خصوصی به دفاع از ژوسپن

می‌گشایم. اشتباهات سوسیالیست‌ها زیاد بوده است که ما باید تکرار نکنیم ولی نباید کارهای عظیم عصر میتران را ندیده گرفت.

اما علی رغم تلاش که «ژوسپن» برای زدودن گذشته انجام داد بار سنگین اشتباهات پنج دولت سوسیالیست طی ده سال (پیر موروا، «لوران فابیوس»، «میشل روکار»، «ادیت کرسون» و «پیر برگوا») برگرد او سخت فشار می‌آورد.

با نزدیک شدن به روز سرتوشت‌ساز هفتم مه (۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۷۴) برنامه کاندیدای نیروهای چپ که بطور وسیعی در فرانسه پخش می‌شد توجه انبوه عظیمی از مردم را جلب کرد: - ساعت کار طی دو سال از ۳۹ ساعت باید به ۳۷ ساعت در هفته کاهش یابد و تا سال ۱۹۹۹ به چهار روز در هفته برسد

- دوره ریاست جمهوری به جای هفت سال به پنج سال کاهش یابد

- همه مردم باید از حق مسکن بهره‌مند شوند و حداقل سالی ۲۰۰ هزار واحد مسکونی برای کم‌درآمدها ساخته شود

- با رشد اقتصادی باید حقوق همه کسانی که کمتر از ده هزار فرانک در ماه دریافت می‌کنند افزایش یابد

- حقوق‌های بالا به نفع کم‌درآمدها کاهش یابد

- بیمه‌های اجتماعی و بازنشستگی شامل همه مردم شود

- حقوق بازنشستگان افزایش، و سن بازنشستگی کاهش یابد

- هر فرانسوی باید فرصت داشته باشد که به خانواده خود برسد و تفریح و گردش و زندگی فرهنگی داشته باشد

- سیستم آموزشی فرانسه بکلی باید دگرگون شود

- مالیات شرکتها افزایش یابد و سیستم مالیاتی تغییر کند

- به واگذاری مؤسسات دولتی به بخش خصوصی بکلی پایان داده شود

- برای ادامه بقا در عصر نوین قدرت وحدت اروپا تقویت گردد، پول واحد و امور دفاعی و خارجی جامعه اروپائی به یکدیگر نزدیک شود

- برابری شانس برای همه مردم در بهره گیری از امکانات اجتماعی

- تحکیم بیمه های اجتماعی

- بالا بردن حقوق بازنشستگان

- امکان کاهش ساعت کار با توافق کارفرما

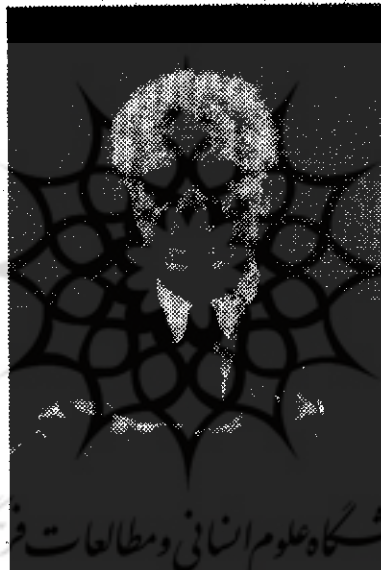
این تغییر جهت موجب شد که آن گروه از جناح راست که در دور اول انتخابات فریاد می زدند برنامه «ژاک شیراک» عوام فریبانه و غیرقابل اجراست بیکارچه

چپ به عنوان تنها نامزد تغییرات اساسی و پیشرو در جامعه معرفی گردد.

ساعت ۸ شب هفتم ماه مه که همه رسانه های گروهی اعلام کردند ژاک شیراک با ۵۲/۶۴ درصد آرا بر لئونل ژوسپن که ۴۷/۳۶ درصد آرا را بدست آورد پیروز شده فریاد شغف از حلقوم طرفداران هر دو جناح برخاست زیرا که در پایان دور اول همه آرا جناح راست ۶۰ درصد و جناح چپ ۴۰ درصد اعلام شده بود.

## شیراک معتقد به گسترش روابط با ایران است

حامیان ژاک شیراک در سراسر فرانسه تا صبح پایکوبی کردند ولی همه تفسیرها حاکی از آن بود که ریاست



لئونل ژوسپن ... او بر کالبد نیمه جان حزب سوسیالیست فرانسه روح تازه ای دمید.

جمهوری آینده فرانسه مخالفان متحد و سرسختی را در برابر خود دارد. حزب سوسیالیست از اغماص بیرون آمد و نشان داد که چهره های سیاسی تازه بزرگی را برای نبرد آینده تربیت کرده است.

فرانسوا میتران برای هر دو رقیب تلگرام تبریک فرستاد. برای ژاک شیراک که جانشین او شد و برای «ژوسپن» که روح تازه ای در حزب سوسیالیست دمید. ژوسپن به رقیب خود تلفظ زد و تبریک گفت و در یک مصاحبه عمومی از بیش از چهارده میلیون فرانسوی که به او رأی دادند تشکر کرد و با اذعان به این که انتظار پیروزی نداشته است گفت که هدفش این بود که چپ را از رخوت بیرون آورده و در برابر جناح راست جناح

به حمایت از او و برنامه اش اقدام کنند. جناح راست متحد و استوار به حمایت از ژاک شیراک پا خاست. روز پیش از هفتم ماه مه ژاک شیراک ناگهان اعلام کرد اگر به ریاست جمهوری فرانسه برگزیده شود دو موضوع اساسی را به فرزندوم می گذارد:

۱- نظام آموزش و پرورش

۲- تصمیمات سران کشورهای جامعه اروپایی که سال آینده برای تغییر در بعضی مواد قرارداد وحدت اروپا تشکیل خواهد شد

مانور جدید «ژاک شیراک» حمایت مخالفان قرارداد «ماستریخ» را به سود او جلب کرد. سیاستمدار ۶۳ ساله فرانسه در عین حال برای حفظ رأی حامیان وحدت اروپا افزود البته متن طرفدار پول واحد و تحکیم همکاری اروپائیان در زمینه های اقتصادی، دفاعی و امور خارجی هستم.

بدین ترتیب او موفق شد چهار تاکتیک تازه را برای رسیدن به آرزوی خود که ورود به کاخ الیزه بود به کار برد.

۱- مسئله وحدت اروپا را در هاله ای از ابهام برد که نه مخالف را از دست ندهد نه موافق را

۲- سیستم آموزشی فرانسه را که همه معتقدند فرسوده شده به رأی عموم بگذارد.

۳- ملت را از خطر ادامه حکومت سوسیالیست ها بترساند، به ویژه با تکیه بر این استدلال که اصولاً هر قدرتی که زیاد ادامه یابد فرسوده می شود و از نظر مردم اعتبار خود را از دست می دهد.

۴- حمایت و دفاع شدید از تغییرات اساسی در جامعه فرانسه در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مبارزه با بیکاری که همه در برنامه نامزد چپ ها نیز گنجانده شده بود.

«ژاک شیراک» که سالها به محافظه کاری شهرت یافته بود چهره تازه ای یافت و نگذاشت نامزد جناح

متحدی از چپ پی ریزی کند، که کرد.

ژاک شیراک در نخستین پیام خود مبارزه با بیکاری را در رأس همه برنامه ها قرار داد و اعلام کرد که سریع تر از آنکه ملت فکر می کند دست به تغییرات اساسی در جامعه می زند. اما چگونه «ژاک شیراک» می تواند با جناح محافظه کار «ادوارد بالادوره» افراطیون راست و جناح راست میانه همکاری کند و آنچه را قول داده است اجرا کند؟ این سئوالی است که امروز برای همه پاسخ آن مبهم است.

در داخل جناح راست مخالفان و موافقان قرارداد «ماستریخ» در برابر هم قرار دارند و همه این جناحها با برنامه های شیراک توافق کامل ندارند. تحولات سیاسی فراوانی که در جامعه فرانسه روی داده کم و بیش در اکثر کشورهای اروپایی نیز پدیدار گشته است. در ایتالیا احزاب چپ و مترقی بر احزاب راست پیروز شدند، در انگلستان حزب محافظه کار با یک شکست تاریخی روبرو شد. در آلمان، آینده «کهل» نامعلوم است. به دلیل بحران اقتصادی و افزایش بیکاری و ایجاد فاصله عمیق بین فقرا و ثروتمندان، جوامع اروپایی خواهان تغییرات اساسی در نحوه تقسیم ثروت و اجرای عدالت اجتماعی هستند. در بسیاری از کشورهای اروپای شرقی کمونیست های سابق زیر پرچم دموکراسی مجدداً مصدر کار شده اند. در مجموع باید گفت ستاره نظام سستی محافظه کاران روز بروز کم نورتر و ستاره سوسیال دموکراسی و ترقیخواهان درخشان تر می شود.

در مورد سیاست ژاک شیراک نسبت به کشورهای خاورمیانه یادآوری این نکته ضروری است که او حامیان زیادی بین کشورهای عربی دارد. ریاست جمهوری جدید فرانسه ضمن تشریح سیاست خود نسبت به ایران تأیید کرد که معتقد به تحریم اقتصادی ایران نیست و اعتقاد دارد که باید روابط فرانسه و ایران گسترش یابد. ژاک شیراک گفت اگر ایران را روز بروز تنها تر بگذاریم تندروها در آن کشور قدرت بیشتری می یابند، لذا برای معتدل کردن سیاست داخلی ایران ضروری است کشورهای غربی روابطشان را با ایران در زمینه های گوناگون توسعه دهند. فراموش نکنیم که در سالهای ۱۹۸۸ - ۱۹۸۶ که او نخست وزیر فرانسه بود گروه گانهای فرانسوی در لبنان را با تماس های سیاسی آزاد کرد. ضمناً در سالهای ۱۹۷۶ - ۱۹۷۴ که نخست وزیر ژیسکاردستن بود قرارداد همکاری اتمی با عراق را امضاء کرد و پس از شوروی دومین کشور صادرکننده سلاح به عراق بود. او در زمینه روابط فرانسه با خاورمیانه با جای پای دوگنل گذاشته است.

پاریس - ۱۰ مه ۱۹۹۵ - ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۴